

فصلنامه علمی- پژوهشی علوم اجتماعی، دوره ۱۱، ویژه‌نامه پیشگیری از جرم و حقوق، زمستان ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۲

صص ۴۴۷-۴۵۶

## بررسی نسبت فساد اقتصادی و توسعه در ایران ۱۳۹۲-۱۳۶۸

علی محمدی<sup>۱</sup>، دکتر علی اصغر زرگر<sup>۲\*</sup>

۱- دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

۲- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران، ایران

### چکیده

فساد اقتصادی در تمام کشورهای جهان (کم و بیش) وجود دارد. کشور ما نیز به نوعی با این عارضه دست به گریبان است و چندی است که توجه‌ها به این مسأله و لزوم مبارزه با آن معطوف شده است. فساد اقتصادی پدیده‌ای پیچیده، چند بعدی و دارای علل و آثار چندگانه است که در ابعاد گوناگون فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مطرح می‌شود و راه‌های مبارزه خاص خود را می‌طلبد.

مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی فساد اقتصادی در کشور را بررسی، و رابطه آن با توسعه در ایران بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۲ را ارائه می‌کند، و در پی پاسخ به این سؤال است که چه رابطه‌ای بین فساد اقتصادی و توسعه در ایران در سال‌های نامبرده وجود دارد؟ فرضیه‌ای هم که در پاسخ به آن ارائه شد این است که فساد اقتصادی و توسعه سیاسی در طی سال‌های ۱۳۶۸-۹۲ نسبت معکوس داشته است. البته ناگفته نماند نظریه تحقیق نظریه عقلانی می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** فساد، اختلاس، رشوه، توسعه، توسعه سیاسی و فساد اقتصادی.

## ۱. مقدمه

چندی است که لزوم مبارزه با پدیده فساد اقتصادی مطرح و تأکید می‌شود و در این باره سخنرانی‌ها و سفارش‌های بسیاری از بزرگان و مسؤولان دینی و حکومتی به چشم می‌خورد. می‌توان ادعا کرد که فساد اقتصادی همزاد با تشکیل حکومت در جامعه مطرح بوده است؛ یعنی از زمان پیدایش حکومت و دولت و برپایی تشکیلات اداری و نهادهای عمومی، سوء استفاده از اختیارات و مفاسد مالی نیز شکل گرفته و همواره برای جامعه و عموم مردم تهدیدی جدی بوده و هست.

فساد اقتصادی فزاینده در بسیاری از کشورها با شرایط اقتصادی اجتماعی و ایدئولوژیک متفاوت مشاهده می‌شود در نتیجه جلوگیری از این پدیده به یکی از اصلی‌ترین نگرانی‌های جامعه بین‌الملل تبدیل شده است با درک علل و پیامدهای فساد می‌توانیم برنامه‌های ضد فساد موثری برای رویارویی با یکی از عوامل مهم توسعه نیافتگی اقتصادی و سیاسی طرح‌ریزی کنیم سازمان‌های جهانی پدیده فساد مالی را به عنوان یکی از مهمترین نگرانی‌های مدیریت دولتی و مانعی بزرگ برای توسعه پایدار شناسایی کرده‌اند در تمام جوامع چه دموکراتیک چه اقتدارگرا نوعی فساد اقتصادی مشاهده شده است.

از جمله هزینه‌های فساد اقتصادی، در زمینه‌ی توسعه، ابعاد مختلف آن می‌باشد. باید با این پدیده، مقابله جدی، و از گسترش آن جلوگیری شود که در غیر این صورت، آزادی، توسعه سیاسی و قانونگرایی و سرانجام مشروعیت حاکمیت به خطر می‌افتد؛ زیرا اقوام جامعه و رشد بالندگی آن در گرو مبارزه با فساد اقتصادی و افزایش روحیه ضد فساد است. البته ناگفته نماند، نظریه تحقیق نظریه عقلانی می‌باشد که مبتنی بر آن است که رفتار آدمیان همدفدار و سنجیده است و پدیده‌های اجتماعی - سیاسی در این قالب قابل بررسی است.

## چارچوب نظری و مفاهیم:

«توسعه‌ی سیاسی» واژه‌ای جامعه‌شناختی است که از سوی مکاتب غربی به عنوان راهکاری برای کشورهای توسعه نیافته و جهان سومی ارائه گردیده است. توسعه سیاسی در اصطلاح به معنای افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، ترکیب مردمی بودن، آزادی و تغییرات اساسی در یک جامعه است. به دلیل چند بعدی جامع و شدیداً کیفی بودن آن، پیچیده‌ترین سطح یک جامعه است. قبل از اینکه تعریف دقیقی از توسعه سیاسی ارائه دهیم، به نظرات دو تن از دانشمندان در باب توسعه سیاسی اشاره خواهیم نمود.

رونالد چیلکوت: معتقد است که نظریات توسعه سیاسی را به سه قسمت می‌توان تقسیم کرد.

الف) آن دسته که توسعه سیاسی را با دموکراسی مترادف می‌دانند.

ب) آن دسته که بر تغییر و توسعه سیاسی تمرکز تحقیقاتی داشته‌اند.

ج) آن دسته که به تجزیه و تحلیل بحران‌ها و مراحل تسلسلی توسعه سیاسی پرداخته‌اند (سریع القلم:

۱۳۷۱، ۱۲۷-۱۲۶).

ایزنشتات: وی توسعه سیاسی را به ساختار سیاسی تنوع یافته و تخصصی شده و توزیع اقتدار سیاسی در کلیه بخش‌ها و حوزه‌های جامعه مرتبط می‌سازد. به نظر وی هر اندازه جامعه از ساختارهایی برخوردار شود که هر کدام دارای هویت مستقل برای خود باشند به همان نسبت بر درجه توسعه سیاسی آن افزوده خواهد شد. برای مثال در یک نظام سنتی پدرسالاری رهبران قادر به بهره‌گیری مناسب از منابع و امکانات جامعه نبوده و از ظرفیت محدودی برای پاسخگویی به خواست‌های عامه برخوردارند (قوام: ۱۳۷۱، ۱۶).

بایندر: معتقد است که اگر کشوری بخواهد به رشد و توسعه برسد، باید پنج بحران را پشت سر بگذارد.

"این پنج بحران عبارتند از: بحران هویت، بحران مشارکت، بحران نفوذ، بحران مشروعیت و بحران توزیع" او معتقد است که وجه تمایز کشورهای توسعه یافته صنعتی از کشورهای در حال توسعه در آن است که آنان در گذشته به طریقی موفقیت‌آمیز بحران‌های فوق به ویژه بحران‌های هویت و مشروعیت را پشت سر نهاده‌اند (سیف زاده: ۱۳۶۷، ۱۷۲).

لوسین پای را باید نخستین پژوهش‌گر برجسته‌ای دانست که «مفهوم توسعه سیاسی» را با ژرف‌نگری ویژه‌ای تحلیل و نظریه‌هایی را درباره آن مطرح کرد. او کار خود را از سال ۱۹۶۳م آغاز کرد و با توجه به گسترش فرهنگی، به توسعه سیاسی از نظر پذیرش، تلفیق و اصلاح الگوهای قدیمی زندگی با نیازهای جدید می‌اندیشید. پای تأکید می‌کرد که نخستین گام در راه توسعه سیاسی، تکامل یافتن نظام دولت ملی است. او توسعه سیاسی را مفهومی اساسی می‌دانست که به تدریج، در همه‌ی جامعه‌ها گسترش می‌یابد و می‌توان از آن با عنوان «فرهنگ جهانی» یاد کرد (عالم: ۱۳۸۲، ۱۲۴).

برخلاف معیارهای توسعه اقتصادی که کمیت‌پذیرند و از طریق شاخص‌هایی چون تولید ناخالص ملی، درآمد سرانه، افزایش یا کاهش قدرت خرید، میزان اشتغال و... می‌توان میزان توسعه اقتصادی را در چارچوب‌های آماری با محاسبات دقیق مورد ارزیابی و سنجش قرار داد. در توسعه سیاسی قادر به انجام چنین کاری نیستیم؛ زیرا به علت کمیت‌ناپذیری عناصر کیفی توسعه سیاسی نمی‌توان پارامترهای توسعه سیاسی را به طور دقیق اندازه‌گیری نمود. برای مثال تعیین سطح جامعه‌پذیری یا مشروعیت سیاسی و نهادی شدن آن‌ها در یک جامعه و فهم میزان توسعه سیاسی از آن به سختی می‌تواند صورت پذیرد. مسأله مهم وجود متغیرهای نسبتاً زیاد و ارتباط پیچیده‌ای است که میان این متغیرها وجود دارد به طوری که از تعامل این متغیرها به سادگی نمی‌توان روابط علی و معلولی را از هم بازشناخت. مثلاً مشروعیت سیاسی خود باعث افزایش سطح مشارکت در جامعه می‌شود، در حالی که مشارکت سیاسی و اجتماعی به نوبه خود به توسعه سیاسی و مشروعیت سیاسی کمک می‌کند (قوم: ۱۳۷۱، ۲۱-۲۰).

شاخص‌های که در مورد توسعه سیاسی از پذیرش بیشتری برخوردارند را می‌توان چنین برشمرد:

- ۱- میزان مشروعیت نظام و اهتمام مردم به دولتمردان
- ۲- مشارکت مردم از طریق نهادهای اجتماعی، سیاسی نظیر انتخابات مجلس احزاب و نهادهای سیاسی غیردولتی و مطبوعات و قدرت انتخاب حکومتی برخاسته از مردم بر مردم و میزان آزادی آنان
- ۳- حکومت قانون و نه حکومت فرد به شکل استبدادی و دیکتاتوری و غیرشخصی بودن نظام سیاسی
- ۴- میزان اقتدار در پاسخگویی به نیازهای مردم از طریق ایجاد شبکه اداری کارآمد و فعال و حل قانونمند مشکلات و معضلات سیاسی جامعه. آنچه به نظر می‌رسد، این است که با توسعه سیاسی بسیاری از مشکلات جوامع سنتی حل می‌شود و گشایش‌هایی فراهم می‌آید. وجود شاخص‌های که برشمردیم همگی نشان‌دهنده یک جامعه‌ای است که به توسعه سیاسی رسیده باشد.

شاخص‌های توسعه سیاسی که بین نظریه‌های مختلف مشترک است عبارتند از:

الف) ایجاد نهادهای دموکراتیک که بتوانند مشارکت حقیقی مردم را در تصمیم‌گیری‌ها و ایفای نقش‌های قاطع در محیط سیاسی اجتماعی تضمین کنند. این نهادها باید با ساختارهای فرهنگی و اجتماعی هر جامعه همگون داشته باشند و تبلور خواست مردم و هدایت‌کننده علایق آنان باشند. (ایوبی: ۱۳۷۷، ۵۶)

ب) تأکید بر ایجاد دموکراسی‌ها تا بین اصول و راه‌کارها در توسعه سیاسی تمایز گذاشته شود. هر کشور بر اساس شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود باید از ابزارهای خاص و الگوی خاص سیاسی خود برای ایجاد یک جمهوری در معنای اصلی آن، یعنی اداره‌ی امور همگانی بهره بگیرد. البته ممکن است این الگو وجوه مشترکی نیز با الگوی غربی داشته باشد، تا زمانی که با مبانی آن نظام در تعارض نباشد. (نقیب زاده: ۱۳۷۷، ۵۶۴)

ج) تمسک به عقلانیت و توجه به برتری آن بر برخی امور جاری در جامعه تا از این رهگذر، با نقادی سنت‌های بومی گذشته و نیز ارزش‌های وارداتی و برخورد گزینشی و عقلانی با پدیده‌های سنتی و پدیده‌های مدرن در مسیر رشد و تعالی جامعه، از جایگزینی مطلق ارزش‌های غربی (تقلید کورکورانه) و حذف بدون گزینش ارزش‌ها و سنت‌های بومی پرهیز شود. در کنار تأکید بر نفی نکردن مطلق مدرنیته و ارزش‌های غربی، باید به تعامل ارزش‌های بومی با وارداتی و نیز نقادی آنها با توجه به نیازها، شرایط و مصالح ملی باور داشت. بر این اساس، اصولاً تمدن‌ها با یکدیگر ترکیب می‌شوند و تلفیق و ترکیب ارزش‌های عقلایی تمدن‌ها عامل اصلی تکامل و پیچیدگی آن‌هاست. تمدن‌های بزرگ‌تر آن‌هایی هستند که ارزش‌ها و عناصر پیچیده‌تر

و بیشتری از تمدن‌های پیشین را در خود جای می‌دهند و حاصل سنتز تمدن‌های بیشتری هستند. (بشیریه: ۱۳۷۷، ۱۹).

قریب به اتفاق دانشمندان و نظریه‌پردازان آنچه را از دیدگاه خودشان جرم یا کجروی و یا انحراف می‌دانند مضر برای بشریت دانسته و آن را دارای کارکرد مثبت نمی‌دانند. دور کیم در موارد متعددی به کارکردهای منفی انحرافات تصریح داشته است و ویژگی‌های این کارکردها را شامل موارد زیر می‌داند: تعارض با اصول اخلاقی و همچنین ضرورت‌های سیاست اجتماعی زینباری و در پی داشتن خطرهای تهدیدکننده زینباری و در پی داشتن خطرهای تهدیدکننده جریحه‌دار ساختن عواطف و احساسات عمومی انزجار آفرینی یا لااقل ایجاد حساسیت.

اصولاً در شرایط ایده آل، نمی‌توان فایده‌ای برای فساد تصور کرد. چرا که انسان با تکیه بر معرفت فطری و وجدان خود هیچ وقت آن را قلباً تأیید نمی‌کند ولی در دنیای واقعیت‌ها، شرایطی ایجاد می‌شود که ارتکاب فساد را حداقل از دیدگاه وجدان عمومی بشری و افکار عمومی توجیه پذیر می‌کند.

### **انواع فساد:**

فساد تا جایی که به سازمان و فرآیندهای سازمانی مربوط می‌شود، به اجزای سه گانه سیاسی، قانونی و اداری قابل تقسیم است:

### **فساد قانونی:**

وضع قوانین تبعیض آمیز به نفع سیاستمداران قدرتمند و طبقات مورد لطف حکومت را فساد قانونی می‌گویند. برای مثال قوانینی که بدون هیچگونه توجیه اقتصادی و یا اجتماعی انحصار خرید، فروش یا تولید یک محصول را به یک فرد یا گروه از افراد اختصاص می‌دهند، نمونه‌هایی از این نوع فساد است. به جرات می‌توان گفت که قوانین مبهم و شکاف‌دار نیز، که زمینه را برای اختلاس ارتشاء، رانت خواری و... فراهم می‌کند نمونه‌های بارزی از فساد قانونی است.

### **فساد سیاسی:**

سوءاستفاده از قدرت سیاسی در جهت اهداف شخصی و نامشروع را فساد سیاسی می‌گویند. فساد سیاسی به معنای راه یافتن فساد در سیاست، قدرت و حکومت است. اصولاً فساد سیاسی و قدرت همزاد یکدیگرند، به عبارت دیگر فساد سیاسی زائیده قدرت سیاسی و یا نزاع برای کسب قدرت است. ژان ژاک روسو بر این باور است که فساد سیاسی نتیجه حتمی کشمکش و تلاش بر سر کسب قدرت است. راه یافتن فساد در چهار حوزه (قلمرو) معادل فساد سیاسی است: نظام اداری و دستگاه بوروکراسی، رجال سیاسی، گروهها و احزاب سیاسی و دستگاه قضایی.

### **فساد اداری:**

بر اساس دایره المعارف بریتانیکا، استفاده از این لغت ابتدا از قرن ۱۴ میلادی در اروپا رایج شد و از نظر لغوی به معنی آلودگی، دگرگونی از وضع ابتدایی و طبیعی، ناخالصی و کاسته شدن در کمیت و کیفیت است. فساد اداری از نظر اصطلاحی بر اساس تعریف بانک جهانی، به معنای استفاده از امکانات و منابع عمومی در جهت منافع و سود شخصی از سوی مدیران کارگزاران و پاپوران سازمان‌های اداری و موسسات است. علت وجود پدیده فساد اداری، انحصار و نیز وجود قوانین بازدارنده برای مداخله عوامل مختلف برای عرضه یک خدمت و یا کالای خاص است، بنابراین آنجا که رانت (امکان کسب سود انحصاری ناشی از داشتن یک موقعیت خاص) وجود دارد، فساد اداری هم وجود دارد. فقدان نظارت قوی و کارآمد، عدم ثبات اقتصادی، تورم لجام گسیخته، رکود، کاهش درآمدها و قدرت خرید مردم، عدم عدالت اقتصادی و اجتماعی، توزیع نامناسب امکانات و تسهیلات در جامعه و امثال این موارد از عمده‌ترین ریشه‌های اقتصادی فساد اداری به شمار می‌آیند. (کیوان پناه: ۱۳۸۸)

بنابراین فساد اقتصادی که در این مقاله مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد از نظر رسته جزء فساد اداری و فساد قانونی به حساب می‌آید. عدم استقلال کامل قوه قضائیه، اعمال نفوذ قوه مجریه بر آن و بر دستگاه‌های نظارت و بازرسی، فشار گروه‌های ذی نفوذ در داخل و خارج سازمان، فساد مدیران عالی رتبه،

جوسازی و غوغاسالاری، توصیه برای در امان ماندن مدیران مختلف از مجازات‌ها و تساهل و تسامح نسبت به موارد مشاهده شده از عوامل سیاسی تسهیل کننده جریان فساد تلقی می‌شوند.

فساد، به معنی تباه شدن، نابود شدن، از بین رفتن، فتنه، آشوب، زیان، کینه، دشمنی، ظلم، شرارت، بدکاری، بیماری، پوسیدگی، اضمحلال، چرکی شدن عضو، ضد صلاح و به ستمگر فتنه مال کسی می‌باشد. فساد در موضوع مورد بحث ما، قاعده‌ای از قواعد نظام حکومتی نقض می‌شود و باعث آسیب و زیان سیستم سیاسی می‌گردد. از اقتصاد نیز اصطلاحاً تعاریف مختلفی بیان شده است که برخی از آن‌ها عبارتند از: «علم تولید و توزیع، علم قوانین حاکم بر ثروت و نشان دهنده طرق تشکیل و توزیع و مصرف ثروت، مطالعه طرق استفاده از منابع کمیاب برای تحصیل بیشترین ارضاء» آنچه که در سال‌های اخیر از آن تحت عنوان فساد مالی و یا اقتصادی یاد شده است شامل انواع فساد اعم از اداری، سیاسی و اقتصادی می‌شود.

## فساد اقتصادی

### رشوه

«رشوه» پول یا هر نوع مالی است که شخص می‌پردازد تا کاری بر خلاف حق و قانون انجام شود و در نهایت، او سودی ببرد. سازمان بین‌المللی شفافیت (T.I.T.anoitanretnIyncerapsnar) در سال ۲۰۰۲ با یاری مؤسسه گلوپ درباره «رشوه»، نظر سنجی‌های از پرسش شوندگان خواسته شده بود درباره گسترش و شیوه «رشوه» به تفکیک صنایع نظر دهند و به عبارتی گرایش بخش‌های مختلف را به رشوه بیان کنند. بدین منظور از شاخص عددی صفر تا ۱۰ استفاده شده، که اعداد کمتر بیانگر فساد بیشتر در آن بخش است. بر اساس این نظرسنجی، کارهایی عمومی و ساختمانی، صنعت تسلیحات و دفاعی، در زمره فاسدترین بخش‌ها به شمار می‌آیند (محمودی: ۱۳۸۲، ۲۳۹).

پرداخت رشوه معمولاً به منظور دستیابی به اهدافی از قبیل تسهیل در اجرای قوانین، تسریع در انجام امور قانونی، فرار از قانون، دسترسی غیرقانونی به منابع درآمد و جعل اسناد و مدارک صورت می‌گیرد.

### اختلاس

در حال حاضر کشور ما با پدیده شومی به نام اختلاس در نظام اداری و مالی خود مواجه است که در تمامی بخش‌ها نیز گسترده شده است. اختلاس به عنوان یکی از مصادیق بارز فساد مالی و اقتصادی از نظر لغوی به معنای ربودن، دستبرد زدن و دست اندازی به مال دیگران می‌باشد و از نظر حقوقی به شکل خاصی از تصرف و دست اندازی بر مال دیگران اطلاق می‌شود و عبارتست از اینکه با استفاده از غفلت و عدم توجه کسی در فرصت مناسب چیزی را بردارند. در واقع اختلاس، برداشت از منابع به وسیله افرادی است که مدیریت این منابع به آن‌ها سپرده شده است.

اختلاس اموال عمومی، از جمله تعدیات کارکنان و کارمندان دولت یا وابسته به دولت، به اموال متعلق به دولت یا اشخاص دیگر است، که همواره به عنوان تهدیدی جدی علیه دولت و ملت قلمداد می‌شود. به منظور جلوگیری از سوء استفاده‌های کارمندان دولت از سرمایه و اموال در اختیارشان و تضمین هر چه بیشتر منافع دولت؛ قانونگذار در صدد حمایت کیفری از این دسته اموال برآمده که تحت عنوان جرم اختلاس می‌باشد. البته قانونگذار تعریف صریح و خاصی از اختلاس ارائه نکرده است اما آنچه از لابه‌لای مواد قانونی و نوشته‌های اندیشمندان حقوق بدست می‌آید می‌توان چنین گفت؛ اختلاس یعنی «تصاحب همراه با مسئولیت اموال دولت یا اشخاص، توسط مستخدم دولت که بر حسب وظیفه در اختیار وی قرار داشته است به نفع خود یا دیگری. (جهانگیری: ۱۳۸۵، ۳۰۶۱۳)

ضعف سیستم مدیریت، سوء استفاده از مقام و موقعیت، بی‌برنامگی در نحوه تخصیص و هزینه کردن بودجه‌های اداری، ورود مدیریت‌ها در عرصه تجارت موازی، وجود ارتباطات فامیلی و پیچیدگی‌های زاید اداری و کاغذبازی‌ها را می‌توان از اصلی‌ترین دلایل بوجود آمدن اختلاس در دستگاه‌های دولتی، ارگانها و نهادهای تحت پوشش دولت محسوب نمود. دخالت مدیریت‌های دولتی در تجارت، واسطه‌گری و فعالیت جنبی از مهمترین عوامل اختلاس و حیف و میل اموال بیت المال است.

انواع فساد اقتصادی در دنیا عبارتند از:

فساد سیستماتیک عمده دلیل ضعف سیستم‌های اجرایی و ضعف دستگاه‌های نظارتی. فساد گاه و بیگاه عمده دلیل بر خلاف ردیف ۱ دلیل اصلی آن فراهم بودن بستر فساد است و خبر از ضعف مکانیسم اجرایی می‌دهد.

فساد سیاسی عمده دلیل فاصله و اختلاف بین بخش خصوصی و دولتی و نیز تصمیم‌های تامل برانگیز سیاسی در راستای کمک به مفساد اقتصادی. احمد توکلی، نماینده سابق مردم تهران در رابطه با فساد سیاسی به سایت خبری فرارو گفت، ما به مرتبه‌ای رسیده‌ایم که فساد سیاسی وجود دارد و حتی تلاش می‌شود تا در مسئولان تصمیم‌گیرنده به وسیله پول، تطمیع یا تهدید نفوذ شود. این نوع فساد خیلی بدتر از فساد اقتصادی است، چرا که در فساد اقتصادی افراد طماع و مزبور با استفاده از عبور از قانون و نقض قانون به دنبال منافع مادی پست می‌گردند، اما در مفساد سیاسی ممکن است تصمیمات قانونی برای تسهیل امور فسادآمیز عده‌ای اتخاذ شود و عده‌ای در توزیع منابع عظیم نفت دخالت کنند.

فساد بزرگ دلیل عمده: سیاست‌گذاری در امور سیاسی، مترادف فساد سیاسی. بالاترین رده در حوزه عمومی فسادها. جایی که قوانین و سیاست‌ها در اولی مکان فرموله می‌شوند.

۵- فساد جزئی دلیل عمده: پول و گردش‌های پولی زیاد و خارج از عرف. از آن به فساد ضعیف یا فساد خیابانی هم یاد می‌شود. این نوع فساد را می‌توان در جاهایی که خدمات ارائه می‌دهند از قبیل بیمارستان‌ها، مدارس، مراکز صدور مجوزهای محلی و غیره مشاهده کرد (روزنامه قانون: ۱۳۹۴، ۹۷۸۴۶)

نهایتاً اینکه عواملی که فسادگریزی مجری دولتی را کاهش می‌دهند، عبارتند از: قوت تعلقات انحصار طلبانه به گروه‌های خاص نظیر وابستگی به گروه‌های خویشاوندی، قومی و مذهبی، حقوق‌های کم دولتی

فسادگریزی کمتر مجریان دولتی به دلیل اینکه در اکثر موارد این مجریان از مراتب پایین احتمالی به موقعیت‌های بالای قدرت پرتاب شده‌اند و لذا فاقد احساس وظیفه‌شناسی و مأموریت خدمات و سرشار از احساس نخوت نسبت به فاصله اجتماعی با اشخاص هستند که با آن‌ها سر و کار دارند.

بخش خصوصی کارآمد برای اجرای برنامه‌های توسعه و رقابت با مجریان دولتی فرهنگ فساد یعنی باورهای مردم در مورد فساد و سیاست دولت در قبال آن. وجود باورهایی همچون "متجاوزان شناخته شده می‌توانند بدون آن که خطر مجازات آن‌ها را چندان تهدید کند به فساد خود ادامه دهند"، زمینه را برای تقویت این اعتقاد آماده می‌کند که این گونه رفتارها به طور گسترده‌ای شیوع دارد و مبارزه ارباب رجوع با آن‌ها اثری ندارد. بنابراین در هر جامعه‌ای به سبب مشکلاتی که پیگیری فساد در بردارد، اندازه‌ای از فساد گریزناپذیر است. به عبارت دیگر احتمال لو رفتن و کشف فساد نمی‌تواند برابر یک باشد.

نسبت فساد اقتصادی و توسعه سیاسی بین سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۶۸

غلامحسین همایونی معاون مرکز رسیدگی به شکایات مردمی سازمان بازرسی کل کشور در خصوص فساد و سطح و تنوع گسترده آن، در نوشتاری تأکید می‌کند، فساد، مسأله‌ای فراگیر است و در تمامی سیستم‌های اجتماعی به چشم می‌خورد و نیز تمامی طبقات جامعه، سازمان‌های دولتی، نظام‌ها، پادشاهی‌ها و جمهوری‌ها، تمامی وضعیت‌ها چه در جنگ و چه در صلح، تمامی گروه‌های سنی و همه زمان‌ها از دوران باستان و قرون وسطی تا عصر حاضر را تحت تأثیر قرار داده است (یار محمدی: ۱۳۹۳، ۸۵۸۷۳).

امروزه دولت‌ها از تمامی طیف‌های سیاسی و در هر کشوری با هر سطحی از توسعه، تحت تأثیر رسوایی‌های فساد اداری قرار می‌گیرند و از طرف دیگر، فساد به آفت اصلی رسیدن به دموکراسی و سد راه توسعه تبدیل شده است. پرداختن به معضلات فساد و کنترل آن، امروزه در صد برنامه‌های توسعه کشورها قرار گرفته و پیدا کردن راهکارهای عملی در این زمینه به دغدغه اصلی متفکران و صاحب‌نظران علوم مختلف تبدیل شده است.

نگاهی گذرا به پرونده‌های مفساد اقتصادی اخیر نشان دهنده میزان تاثیر این پدیده بر اقتصاد ایران است. به علاوه، علیرغم خصوصی سازی‌های صورت گرفته، دولت همچنان موتور اصلی نظام سرمایه‌هاست که

موجب ناکارآمدی اقتصاد می‌شود. کشمکش ذاتی که اقتصاد ایران با آن مواجه است این است که از یک طرف، دولت بیم کوچک شدن و رفع مقررات دست و پاگیر برای بهبود وضعیت اقتصادی دارد، اما از طرف دیگر، همان دولت باید نقش بزرگترین سرمایه‌گذار را در اقتصاد ایفا کند. دیگر وقت آن فرا رسیده است که دولت بخش خصوصی را قدرتمند سازد تا نیازهای خود را بر اساس ساختار بازار برنامه‌ریزی کند.

اقتصاد ایران از سال ۱۳۶۸ تاکنون همچنان سیاسی و امنیتی است که عمدتاً ناشی از سایه انداختن نقش دولت و گروه‌های غیر شفاف بر آن است. قوانین و مقررات پیچیده موجب ایجاد ابهاماتی می‌شود که سرمایه‌گذاران داخلی را ناگزیر به دنبال کردن فرصت‌های سرمایه‌گذاری در مناطق دیگر می‌کند. این ابهامات همچنین زمینه را برای فساد مهیا می‌سازد که به نوبه خود جلوی شکوفا شدن پتانسیل اقتصادی کشور را می‌گیرد. و پتانسیل اقتصادی ناکارآمد کشور جلوی رشد و توسعه سیاسی را گرفته و مانع از تحقق توسعه سیاسی در کشور می‌گردد.

ناکارآمدی اقتصادی و یا به عبارت دیگر فساد اقتصادی در درجه‌ی اول یک محیط سیاستگذاری غیر شفاف و غیر مشارکت‌جو را پدید می‌آورد که کارکرد محوری آن فرصت‌های بی‌شماری است که در اختیار مقامات و گروه‌های ذینفع قرار می‌گیرد.

در مبارزه با فساد آن چیزی که در مورد تجربه‌ی دولت در زمان جنگ خیلی تکان دهنده است این است که در سال ۱۳۷۹ سازمان برنامه سابق به عنوان اسناد پشتیبان برنامه‌ی سوم گزارشی را منتشر کرده است با عنوان بهره‌وری در ایران و در آن جا در کمال شگفتی گزارش می‌دهد وقتی که ما شاخص TFP یعنی بهره‌وری کل عوامل تولید را در دوره جنگ با دوره‌ی مشابه پس از جنگ مقایسه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که به طور متوسط شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید در دوره‌ی جنگ ۵ برابر دوره پس از جنگ بوده. دوستان می‌دانند کسانی که در سال ۷۹ در سازمان برنامه مسئولیت‌های مهم داشتند در زمره منتقدان شناخته شده عملکرد اقتصادی کشور در دوران جنگ بوده و بنابراین خیلی علاقه نداشتند که عملکرد اقتصادی پس از جنگ را بهتر نشان دهند. بنابراین، این واقعیت باید خیلی بزرگ بوده باشد که بشود نادیده گرفته شود (مومنی: ۱۳۹۳، ۳۵۷۱۲۶).

در تحلیل‌های نهادی در زمینه رابطه فساد مالی و توسعه؛ دیوان سالاری ضعیف دولتی نیز حائز اهمیت بسیاری است. دولت‌های رانتی و دولت‌های فرومانده دولت‌هایی هستند که در قله اختیارات و اقتدار قرار دارند، اما از اختیارات و اقتدار برای پیشبرد اهداف خود عاجزند.

دولت احمدی نژاد در روزهای اول پس از روی کار آمدنشان در سال ۱۳۸۴ تصویب کرده بودند که به ۷۰ میلیون ایرانی نفری ۲ میلیون تومان سهام عدالت داده شود. این رقم که یک جابه‌جایی بی‌سابقه منابع در تاریخ اقتصادی ایران بود، در شرایطی جنبه اجرایی-علمیاتی پیدا کرد که دولت به معنای قوه مجریه، حتی احساس نیاز و الزام به هماهنگی با مجلس هم نداشت. ۱۴۰ هزار میلیارد تومان، در آن زمان رقمی بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار می‌شد. یعنی آن دولتی که می‌گوید مسئولیت‌گریزانه و به ناحق که تدارکات چی هستیم و کاره‌ای نیستیم و دستم بسته است، در کادر مفهوم دولت فرومانده وقتی که مورد تحلیل قرار می‌گیرد ملاحظه می‌شود که اجازه دارند با یک نشست و برخاست و بدون دادن دو صفحه گزارش پشتیبان برای این تصمیم، راجع به جا به جایی ۱۵۰ میلیارد دلار تصمیم بگیرند. خوشبختانه این تصمیم عمل نشد. دلیلش نیز این بود که چون مطالعه نکرده بودند، وقتی خواستند اجرا کنند، متوجه شدند این میزان دارایی دولتی قابل واگذاری وجود ندارد؛ و هر کس که راجع به ریشه‌های تشدید توسعه نیافتگی در ایران کار کند می‌تواند پیامدهای ایستادگی دولت بر این تصمیم‌گیری غلط را ردگیری نماید تا بتواند به یک جمع‌بندی به نسبت روشن و قابل قبول در این زمینه برسد (مومنی: ۱۳۹۳، ۳۵۷۱۲۶).

متأسفانه طی ۲۵ سال گذشته به خاطر اشتباهات فاحشی که در عرصه‌ی سیاستگذاری اقتصادی اتفاق افتاده ما ضربه‌های بزرگی از ناحیه تشدید نقش دیون سالاری ناکارآمد و به غایت آسیب‌پذیر در برابر فساد خوردیم. چون وابستگی به مسیر ایجاد شده است، این مسیر هم چنان هم دارد افتان و خیزان استمرار

می‌یابد، این است که این دیوان سالاری ضعیف دولتی، در اثر سیاست‌های اقتصادی تورم‌زا، به طرز غیر متعارفی آسیب‌پذیری‌اش در برابر فساد مالی افزایش پیدا می‌کند.

به دنبال برگزاری انتخابات ۱۳۷۶ گفتمان سیاسی در ایران تغییر نمود و توسعه متوازن اقتصادی و سیاسی به جای توسعه غیر متوازن صرفاً اقتصادی در دستور کار دولت قرار گرفت. برای جایگزین نمودن مشارکت ساختارمند بجای مشارکت توده‌ای و کوچک کردن دولت و بوروکراسی اداری در اولین برنامه سوم توسعه در سال ۱۳۷۹ اصلاحات اداری انجام و با ادغام تعدادی از وزارتخانه‌ها از انجام چند پاره کارها و مشکلات ناشی از وجود مراکز متعدد تصمیم‌گیری اجتناب تا در نهایت از گسترش فساد جلوگیری به عمل آید. در کل تا سال ۱۳۹۱ تعداد کل مجوزهای صادره برای سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) بیشتر از ۱۷۰۰۰ هزار مجوز نیست که از این تعداد حدود ۷۰۰۰ هزار مورد تا قبل دوم خرداد، ۵۷۲۰ مورد در حکومت اصلاحات و ۴۲۸۰ مورد در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ صادر شده است. در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ در راستای گفتمان دموکراتیک، استقلال، کارکرد سیاسی و نظارتی سمت‌ها افزایش یافت، ولی بعد از این دوران برخلاف دوره قبل، به بهانه‌های مختلف سمت‌ها تعطیل و کارکرد سیاسیون ظارتی آن‌ها به نفع کارکرد خیریه‌ای کاهش یافت. با توجه به روند مذکور نظارت اجتماعی در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ بر دولت کاهش که این مساله باعث اتخاذ تصمیمات غیر تخصصی و یک جانبه توسط دولت گردید، نتیجه این فرایند افزایش گزارشات، فساد در ابعاد مختلف بود (فلاح مایوان: ۱۳۹۳، ۴).

جامعه‌ای توسعه یافته تلقی می‌شود که در همه ابعاد به طور متوازن رشد کرده باشد. شاید یکی از اصلی‌ترین دلایل عدم توسعه یافتگی ایران با سابقه برنامه‌ریزی طولانی آن، همین موضوع باشد که نگاه به توسعه، نگاهی تک بعدی بوده و سایر ابعاد توسعه مورد توجه جدی و عملی قرار نگرفته‌اند. اما امروزه شواهد حاکی از آنند که حتی توسعه اقتصادی نمی‌تواند جدای از توسعه سیاسی و اجتماعی محقق شود. بر اساس چنین اعتقادی، ماهیت اجتماعی دولت و عملکرد نهادهای سیاسی و حقوقی تاثیر مهمی بر سطح توسعه‌یافتگی یا توسعه نیافتگی جامعه دارد.

اندازه بزرگ دولت یکی از مهمترین علل توسعه فساد در اقتصادها است. اساساً در ادبیات اقتصادی، عملکرد دولت‌ها با ناکارایی (inefficiency)، کژمنشی (moral hazard) و فساد (corruption) عجین شده است. ایران بین سال‌های ۱۳۶۸-۹۲ با مشکل بزرگتری هم مواجه است و آن حجم بزرگ اقتصاد حاکمیتی غیر دولتی است. دولت (به معنای قوه مجریه) حداقل موظف به ارائه بودجه سالانه و گزارشات محدودی است و هرازگاهی هم به آرای مردمی نیاز دارد. اما بخش‌های مختلف حاکمیت که وارد کار اقتصادی می‌شوند از همین حداقل‌های شفافیت هم فراری هستند. بخش بزرگی از اقتصاد ایران دارای رانت‌های اطلاعاتی و اجرایی است، از پرداخت هرگونه مالیاتی هم طفره می‌رود و حتی گزارش‌های مالی خود را نیز منتشر نمی‌کند. در چنین فضایی دولت برای افزایش درآمدهای مالیاتی خود باز هم به بخش غیر رانتی اقتصاد فشار می‌آورد. با این اوصاف انگیزه‌های بخش هم برای عدم شفافیت و فرار مالیاتی بسیار زیاد است. چه وقتی بخش حاکمیتی اقتصاد خود تعهدی به پرداخت مالیات ندارد، بخش خصوصی چرا باید به این موضوع تن دهد (بیگدلی: ۱۳۹۵، ۵۰۵۰۶۳).

جامعه توسعه یافته از نظر سیاسی ضمن برخوردار بودن از ثبات سیاسی، دارای ویژگی‌هایی همچون کارآمدی، سطح پایین فساد، پاسخگویی، مشارکت مردم در امور مربوط به خود، نظام حزبی قوی و سازمان یافته، آزادی رسانه‌ها و... می‌باشد. با وجود اینکه بسیاری از این شاخص‌ها در قانون اساسی و اسناد بالادستی مورد توجه و تاکید بوده‌اند، اما در عمل و در برنامه‌های توسعه مورد غفلت یا کم توجهی قرار گرفته‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد با گذشت حدود چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی و در حال حاضر که برنامه ششم توسعه در حال تهیه و تدوین است، باید توجه ویژه‌ای به تقویت شاخص‌های غیراقتصادی توسعه از جمله ابعاد ثبات سیاسی، کارآمدی و حکومت داری مطلوب، مردم سالاری و حقوق و آزادی‌های مدنی، تقویت شاخص‌های اقتصادی توسعه از جمله جلوگیری از فسادها اقتصادی صورت گرفته در جامعه صورت گیرد. بنابراین هر جا که شاخص‌های توسعه سیاسی بهبود یافته سطح فساد اقتصادی و ناکارآمدی‌های اقتصادی



دولت نیز کاهش یافته است و بالعکس در صورت افزایش سطح فساد اقتصادی و عدم شفافیت و ناکارآمدی دولت سطح توسعه‌ی سیاسی روندی نزولی را طی نموده است.

یکی از دلایلی که فساد اقتصادی در ایران بین سال‌های ۶۸-۹۲ رابطه و تأثیر بر توسعه سیاسی داشته است، مسئله‌ی عدم شفافیت و نبود رسانه‌های آزاد است. همان آمارهای بین‌المللی که به آن‌ها اشاره کردم، تاکید دارند که وضعیت آزادی رسانه‌ها در ایران فاجعه‌بار است. حاکمیتی هم که خود از نبود جریان آزاد اطلاعاتی و وجود رانت‌های متعدد اقتصادی سود می‌برد، علاقه‌ای به توسعه فضای اطلاع‌رسانی ندارد. مطبوعات اندکی هم وجود دارند در خدمت منافع مراکز قدرت هستند و تنها اطلاعات اندکی منتشر می‌شود که آن هم حاصل اختلاف جناح‌ها و گروه‌های درون حاکمیتی است (بیگدلی: ۱۳۹۵، ۷۰۵-۶۳)

رکن اساسی جامعه مدنی تنها وظیفه کاهش فساد از طریق افشای آن را بر عهده ندارد، بلکه انتشار اطلاعات صحیح و به موقع، نقشی اساسی در ایجاد فضای رقابت و کارایی تخصیصی منابع خواهد داشت. در ضمن انتشار صحیح آمار و اطلاعات، به کمک سیاستگذاران خواهد آمد تا هم در فضایی مناسب‌تر تصمیم بگیرند و هم نتایج تصمیمات خود را پایش کنند. در چنین حالتی یکی از مهمترین مطالبه‌های جامعه و فعالان مدنی، نهادینه شدن انتشار اطلاعات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. درک علت توسعه فساد و غیر شفاف شدن فضای اقتصادی ایران با دانستن این موضوع که طی سالیان گذشته حتی برخی از ابتدایی‌ترین آمار منتشر نمی‌شد، چندان مشکل نخواهد بود. بنابراین هر گاه توسعه‌ی سیاسی و شاخص‌های آن در طی این سال‌ها پیشرفت داشته است، فساد اقتصادی نیز کاهش داشته است.

### نتیجه‌گیری

یکی از مهمترین علل چالش‌های کنونی نظام سیاسی جمهوری اسلامی فساد اقتصادی است که رابطه آن با سطح توسعه سیاسی نیز کاملاً شرح داده شد. فساد اقتصادی از درجه مشروعیت و اثر بخشی دولت‌ها می‌کاهد تا آن اندازه که می‌تواند دولت‌ها و نظام‌های سیاسی را با بحران مشروعیت و مقبولیت مواجه سازد. فساد از هر نوع آن که باشد ثبات و امنیت جوامع را به خطر انداخته و تهدیدی جدی علیه امنیت ملی محسوب می‌شود. فساد، ارزش‌های اسلامی، اخلاقی و آزادی سیاسی را مخدوش ساخته و از این طریق مانع توسعه سیاسی و اجتماعی جامعه می‌شود.

در این مقاله در پی پاسخ به این سؤال بوده‌ایم که چه رابطه‌ای بین فساد اقتصادی و توسعه سیاسی در ایران بین سال‌های ۱۳۶۸-۹۲ وجود دارد؟ فرضیه ما نیز رابطه‌ی معکوس بین این دو را پیش‌بینی نموده بود و اکنون در پایان باید گفت که اطلاعات به دست آمده در این تحقیق اثبات فرضیه‌ی مورد نظر را به همراه داشته است زیرا ارکان توسعه‌ی سیاسی از جمله، نهادهای مدنی، احزاب سیاسی، شفافیت و کارآمدی حکومت در هر زمانی که در طی سال‌های مورد نظر از کارآمدی مناسبی برخوردار نبوده‌اند، به همان نسبت فساد سیاسی نیز گسترده تر شده است.

احزاب سیاسی به عنوان یکی از ارکان جوامع دموکراتیک می‌توانند به کنترل بوروکراسی اداری کمک و از این طریق دامنه فساد را محدودتر کنند. قابل توجه‌ترین تعریفی که امروزه در کشورهای غربی برای پدیده فساد مالی و اقتصادی در دستگاه‌های دولتی وجود دارد این است که فساد اقتصادی عبارت از «استفاده از پول مردم برای مقاصد شخصی» است.

نهادهای مدنی با نظارت خود بر عملکرد سازمان‌ها و نهادهای عمومی دولتی، تلاش می‌کنند تا فعالیت‌های آنها را از طریق شفاف‌سازی و به اصطلاح در «اتاق شیشه‌ای» در معرض نگاه و داوری افراد جامعه قرار دهند. کمک به روند آموزش اعضای جامعه مدنی و بالا بردن سطح آگاهی آنان در زمینه شناخت فساد و نحوه پیشگیری از آن و در صورت وقوع فساد، چگونگی گزارش آن به مراجع تحقیق، اولین اقدام مهم و مؤثر نهادهای مدنی در پیشگیری از فساد است. دومین اقدام نهادهای مدنی در این رابطه، جلب مشارکت‌های مردمی و سازماندهی صحیح و منطقی آن به منظور برقراری فرهنگ قانون مداری، صداقت و درستکاری و پرهیز از هر گونه فساد اداری است.

برای پرهیز از فساد و استبداد، بهترین راهی که به نظر اندیشمندان رسیده این است که اقسام گوناگون قدرت مشخص شده و اجرای آن به دستگاه‌های جداگانه سپرده و به نحوی به کار برده شود که مدیریت هیچ یک از قوا، توان اعمال نفوذ در قدرت دیگر را نداشته باشد؛ زیرا مقامات سیاسی و حکومت گران، غالباً در پس لفاظی‌های فریبنده در باب خیر و صلاح مردم، علاوه بر خودسری و زورگویی، دست به پنهانکاری‌هایی به سود خود یا نزدیکانشان هم می‌زنند.

واقعیت این است که مبارزه با فساد اداری به مثابه گذر کردن از لبه تیغ است، چرا که از سویی چنانچه مبارزه انجام نپذیرد، فساد روز به روز ریشه دارتر می‌شود و از سوی دیگر اگر مبارزه به شکل غیرمنطقی انجام گیرد، ترس سرمایه‌گذاران و بر هم خوردن امنیت سرمایه گذاری را به همراه می‌آورد. وی اظهار می‌دارد: آگاهی و اطلاعات، چشم اسفندیار فساد اداری و اقتصادی است و هر چه اطلاعات بیشتر در دسترس باشد، معاملات پنهان، توافقات غیررسمی و تبادلات غیرقانونی کمتر می‌تواند شکل بگیرد، بنابراین دولت باید برای بهبود سلامت اداری از هیچ کاری غافل نشود و هر چه زوتر استفاده از فناوری‌های نو را با سرمایه‌گذاری در جامعه، نهادینه کند. چرا که به کارگیری این فناوری‌ها در گمرگ و پلیس، تأثیر بسیاری در کاهش تخلفات داشته است.

### فهرست منابع

#### الف - کتب فارسی:

۱. سریع القلم، محمود. (۱۳۷۱). عقل و توسعه یافتگی، چاپ اول، تهران: نشر سفید.
۲. سیف زاده، سید حسین. (۱۳۶۷). نوسازی و دگرگونی سیاسی، تهران: قومس.
۳. عالم، عبدالرحمن. (۱۳۸۲). بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
۴. قوام، عبدالعلی (۱۳۷۱). توسعه سیاسی و تحول اداری، تهران: قومس.
۵. نقیب زاده، احمد. (۱۳۷۷). «جمهوریت و اسلام»، مجموعه مقالات جمهوریت و انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات سازمان مدارک فرهنگ وزارت ارشاد.

#### ب - مقالات فارسی:

۶. ایوبی، حجت الله (۱۳۷۷). «نقد نظریه‌های غرب محور در توسعه سیاسی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱، پاییز.
۷. بشیری، حسین. (۱۳۷۷). «از دیالکتیک تمدن‌ها تا دیالوگ تمدن‌ها»، فصل‌نامه گفت‌مان، شماره ۳، زمستان.
۸. سریع القلم، محمود. (۱۳۷۷). «مبانی عشیره‌ای فرهنگ سیاسی ایران»، دو ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۳۶ - ۱۳۵.
۹. فلاح مایوان، جواد. (۱۳۹۳). بررسی رابطه نهادهای مدنی و فساد سیاسی در ایران (۱۳۷۶ تا ۱۳۹۲). استاد راهنما: احمد محقر، دانشکده علوم اقتصادی و اداری. دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۰. کیوان پناه، علی، (۱۳۸۸). ریشه‌های فساد مالی و اداری کجاست، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۱۸۹۹.
۱۱. محمودی، وحید، (۱۳۸۲). فساد اقتصادی و توسعه، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۸۹ - ۱۹۰، خرداد و تیر.

#### ج - سایتهای اینترنتی

۱۲. اسلامی بیگدلی، (۱۳۹۵). فساد و نبود شفافیت؛ چاه پیش راه توسعه، قابل دسترسی در: <http://www.fardanews.com/fa/news/۵۰۵۰۶۳>
۱۳. جهانگیری، زکریا، (۱۳۸۵). اختلاس، پژوهشکده باقرالعلوم. قابل دسترسی در. <http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=۳۰۶۱۳>
۱۴. روزنامه قانون، (۱۳۹۴). انواع فساد در سیستم اقتصادی؟ در تاریخ ۱۱ مهر، قابل دسترسی در: <http://www.eghtesadonline.com/fa/content/۹۷۸۴۶>
۱۵. مومنی، فرشاد، (۱۳۹۳). چرا فساد در اقتصاد ایران فراگیر شده است؟ قابل دسترسی در: <http://www.khabaronline.ir/detail/۳۵۷۱۲۶/Economy/political-economy>
۱۶. یارمحمدی، فاطمه، (۱۳۹۳). توسعه پایدار، قربانی فساد مالی و سیاسی، قابل دسترسی در: <http://www.ettelaat.com/etiran/?p=۸۵۸۷۳>